

تعیین منافع طبقاتی روندی عینی است! پاسخی به پرسش سهند گرامی!

دوره جدید: مقاله شماره: ۲۳ (۱۹ خرداد ۱۳۹۶)
واژه‌ی راهنما: سیاسی- تئوری

سهند گرامی در ادامه بحث در باره‌ی استفاده از امکان تبلیغات در نظام سرمایه داری می نویسد:
روز شما خوش!

سال‌ها پیش، در چهارمین روز انتشار "پیک نت"، آخرین تماس را با مدیر "راه توده" داشتم. محترمانه به انتشار مطلبی در "پیک نت" که برای "راه توده" فرستاده شده بود، اعتراض کردم. مکالمه تند شد. در حین مجادله مخاطب گفت: «شاید رفیقی بخواهد از درآمد آگهی تجاری در پیک نت زندگی معیشتی خود را تامین کند». در پاسخ گفتم، در آن صورت یا آگهی دهنده‌ها دوستدار مشی و منش توده‌ای‌ها شده‌اند - که چنین امری در جهان و ایران امروز اگر نگوییم محال بسیار بعید است - یا نشریه توده‌ای ناگزیر تجاری و مبتذل، بازاری و خیابانی خواهد شد ...

به باور من آگهی "نامه مردم" و "توده‌ای‌ها" در اخبار روز در کنار دیگر آگهی‌های تجاری، روی دیگر همان سکه متأسفانه رایج است. و به این می‌ماند که "اومانیه" برود در "فیگارو" آگهی بدهد. این باور من است. و پیامدهای این حرکت برای من روشن است.

سهند گرامی، شما محقانه امکان تاثیر خطری را ذکر می‌کنید، که نفي آن نه ممکن و نه برای روشنگری در باره‌ی نقش تبلیغات در نظام سرمایه داری کمک است. از سوی دیگر نمی‌توان مدعی شد که آن‌ها که گرفتار در دام تبلیغات نظام سرمایه داری نیستند، به طور خود بخود

از خطر اشتباه در ارزیابی مبرا هستند!؟ شما قطعاً مدعی نیستید که "عدالت" که نه آگهی می‌گیرد و نه می‌دهد، همیشه ارزیابی درست مارکسیستی-لنینیستی درباره‌ی پدیده‌ها در چنته دارد!؟

از نظر تئوری شناختِ مارکسیستی ما با مساله‌ی تعیین منافع طبقاتی بر پایه‌ی تاثیر شرایط عینی و یا ذهنی و تعیین دیالکتیک آن روبرو هستیم. لئو کفلر آن را "دیالکتیک منافع طبقاتی و ایدئولوژی" می‌نامد و آن را در بخش هشتم با زیرعنوان "رشد علم تاریخ از توصیف به شناخت" در اثرش "تاریخ و دیالکتیک" توضیح می‌دهد.

وظیفه این سطور نه دفاع از انتشار «آگهی تجاری» و نه نفی آن است. «آگهی تجاری»، نکته بسیار جنبی و غیرتعیین کننده برای مبارزه‌ی امروز مارکسیست-توده‌ای‌ها است و افتادن در دام بحث در این زمینه بسیار نابخردانه می‌ماند.

همان طور هم این سطور وظیفه دفاع از مخاطب شما را دنبال نمی‌کند که مدعی است «زندگی معیشتی» خود را از این طریق تامین می‌کند و یا از طریق مقاله نویسی برای نشریات نظام سرمایه داری که برخی دیگر برای تامین «زندگی معیشتی» خود دنبال می‌کنند!

شما محق هستید دارای «باوری» باشید که مطرح می‌سازید مبني بر این که «آگهی» نامه مردم" و "توده‌ای‌ها" در اخبار روز ... روی همان سکه متاسفانه رایج است! و گویا با ادامه‌ی چنین عملکردی «نشریه توده‌ای ناگزیر تجاری، مبتذل، بازاری و خیابانی خواهد شد». این «باور» اما مستدل نیست! این يك ادعا و تز است که شما باید در ابتدا آن را به اثبات برسانید. کوششی در این زمینه در سطور شما دیده نمی‌شود.

نه تنها شما کوششی برای اثبات درستی ادعای تزگونه خود نمی‌کنید، بلکه فراتر از آن، به عام گویی نظری

مي پردازيد و مي خواهيد "درستي" شيوه ي غيرماركسيستي- توده اي عام گويي را تنها با آوردن مثال و نمونه گويا به اثبات برسانيد. اين شيوه علمي بررسي پديده ها نيست. اين پيروي كردن از "پديدار شناسي" ذهن گراي ايده آليستي است كه اخيرا در ارتباط با ابراز نظر رفيق عزيز "ابي" سويه هايي از آن مورد بررسي قرار گرفت. (۱)

بررسي ماركسيستي- تود اي هر پديده كه مبتني است بر علم ديالكتيك ماترياليستي، از اسلوب تحليل مشخص شرايط مشخص پيروي مي كند كه مضمون پديده را قابل شناخت مي سازد. شناختي كه پيش شرط است براي ارزيابي كه ديگر جايي براي «باور» غيرعلمي و مذهبي باقي نمي گذار، بلکه درك شرايط پديدار شدن پديده را در شرايط تاريخي مشخص ممكن مي سازد. امري كه سرشت پديده را تعيين مي كند و معرفت به جا يگاه آن را در نبرد طبقاتي- تاريخي در جامعه قابل دريافت مي سازد.

براي نمونه، هنگامي كه بايستي از جمله پديده ي انتشار آگهي براي «بازگشت توده اي ها به صحنه نبرد طبقاتي» مورد تحليل قرار گيرد، مي بايستي به مساله حمله ي سيبري به آن همان قدر پرداخت كه به مساله آدرس جديد نشناخته براي علاقمندان! هنگامي كه روزانه چند ده نفر از طريق آگهي در اخبار روز از آدرس جديد توده اي ها با اطلاع مي شوند، انتشار آگهي بلاترديد از مضموني مثبت و در جهت تاريخي- ترقي خواهانه در چارچوب نبرد طبقاتي حاكم برخوردار است. گامي است با مضمون رهايي بخش و در تامين استقلال سياست طبقه كارگر و حزب آن! خوشبختانه شما نيز تاكنون نتوانسته ايد به مضمون «مشي و منش توده اي» توده اي ها انتقادي را روا بدانيد. كشاندن بحث به صحنه هاي فرعي در تائيد اين نکته است!

براي نمونه شما تاكنون به پرسش ها درباره ضرورت

استقلال سياست حزب توده ايران، حزب طبقه کارگر ايران همان قدر پاسخي ارايه نکرده ايد که درباره پرسش در مورد ضرورت انتقال مضمون "اقتصاد سياسي" مرحله ملي-دموکراتيک انقلاب به درون مردم و تبديل آن به پرچم تجهيز و سازماندهي طبقه کارگر و متحدان نزديک و دور آن، سکوت اتخاذ کرده ايد!؟ اين طور نيست؟ آيا هنگام آن فرا نرسیده است که درباره ي مضمون عملکرد نظري-سياسي توده اي ها صحبت کنید، به جاي نگران بودن درباره خطر «مبتذل، بازاری و خیابانی» شدن خط مشي انقلابي- توده اي آن؟! خوشحال مي شدم اگر در اين زمينه ابرازنظري از شما دريافت مي کردم که براي ادامه گفتگوي جدي در باره ي وظايف روز پيش روي توده اي ها و چپ انقلابي راه گشا مي بوده است!

تعيين منافع طبقاتي روندي عيني است!
همان طور که مي بينيد، کوشش سطور پيش مستدل ساختن ضرورت اين امر است که تعيين منافع طبقاتي طبقه کارگر بايستي بر پايه واقعيت عيني شرايط در نبرد طبقاتي عملي گردد. تعيين شرايط نبرد طبقاتي بر پايه ي برداشت ايدئولوژيک- ذهني اين يا آن فرد، رفيق و يا جريان در جنبش گارگري، به ويژه آن هنگام به شدت انحرافي خواهد بود، هنگامی که چنين مواضعي "کاتگوري گونه" اعلام و خطر «مبتذل، بازاری و خیابانی» شدن مشي انقلابي- توده اي به عنوان واقعيتي مطلق پيش گويي نیز گردد.

زمينه نظري اين برداشت، همان طور که بيان شد، تئوري شناخت مارکسيستي است. دو نمونه ي تاريخي و شرايط کنوني نبرد طبقاتي در ايران مي تواند براي درک مطلب کمک باشد.

۱- مي دانيم که پس از پيروزي انقلاب کبير فرانسه، در انتخابات دو مجلس آغازين، حق راي براي انتخاب

نماینده تنها به افرادی تفویض شد که "مالک" بودند. به سخنی دیگر، بورژوازی انقلابی که دفاع از "مالکیت" را به درستی به عنوان زمینه عینی دفاع از مالکیت خود ارزیابی می نمود، دهقانان و حاشیه نشینان شهری فاقد مالکیت را از حق رای محروم کرد. "استدلال" آن ها برای سیاست خود این بود که "رعیت" وابسته به فئودال و اشراف، می تواند مجبور شود رای خود را به سود ارباب در صندوق رای بیاندازد. هیچ یک از اندیشمندان این بورژوازی به این فکر نیفتاد خواستار سلب حق انتخاب شدن مالکین فئودال و اشراف شود!

۲- در برابر این سیاست طبقاتی مبتنی بر نقش عینی "مالکیت" فردی، یعنی بر پایه شرایط "عینی" که توسط بورژوازی انقلابی به خدمت حفظ منافع خود گرفته شد، تعیین منافع طبقاتی را بر پایه ذهنیت- برداشت ایدئولوژیکی می توان در نمونه ی دیگر قابل شناخت ساخت.

می دانیم که یکی از صحنه های اصلی مبارزه ی مارکس و انگلس در قرن نوزدهم علیه جریان آنارشیزم در جنبش کارگری عملی شد که سلطه خود را بر این جنبش مستولی ساخته بود. کارگران تحت تاثیر تبلیغات آنارشیزم ها می پنداشتند که فقر و درماندگی آن ها ناشی از تاثیر ماشین آلات مدرن تولید است و نه ناشی از شرایط استثمار نظام سرمایه داری. تخریب ماشین آلات توسط کارگران در این دوران تحت تاثیر تبلیغات آنارشیزم ها پیامد برداشت ذهنی- ایدئولوژیک از منافع طبقاتی است.

۳- خطر گرفتار ماندن در برداشت ذهنی- ایدئولوژیک برای تعیین نمودن منافع طبقه کارگر در شرایط حاکم در ایران کنونی نیز در سطح دیگری به چشم می خورد. نکته را بشکافیم و مورد بررسی قرار دهیم.

بدون تردید اعمال برنامه ضد کارگری و ضد ملی نولیبرالیسم امپریالیستی، یعنی اعمال برنامه ی دیکته شده ی "خصوصی سازی و آزاد سازی اقتصادی"، علت

بي واسطه را براي تشديد فقر و بیکاري، درماندگي طبقه کارگر و ديگر زحمتکشان و همچنين نابودي توليد داخلي تشكيل مي دهد و خطر دهشتناكي را عليه استقلال ملي ايران به نمايش مي گذارد. از اين رو مبارزه با استثمار نوليبرال نيروي کار، وظيفه اي خطير را در مبارزه ي امروز طبقه کارگر و حزب آن، حزب توده ايران تشكيل مي دهد.

محدود ماندن مبارزه ي طبقه کارگر عليه پيامدهاي ضدکارگري فاز نوليبرال استثمار نظام سرمايه داري، و اعلام منافع دموکراتيک- صنفی طبقه کارگر به مثابه ي کليت "منافع طبقاتي" طبقه کارگر، از اين رو برداشتي ذهني- ايدئولوژيکي از شرايط نبرد طبقاتي در جامعه است، زيرا به مساله "مالکيت" که زمينه عيني منافع طبقات حاکم را تشكيل مي دهد، بي توجه است.

اين محدود ماندن، ناشي از تعريف منافع طبقاتي طبقه کارگر بر پايه برداشت ذهني- ايدئولوژيک است، زيرا در شرايط ادامه سلطه ي حاکميت نظام استثمارگر سرمايه داري، مساله ي "مالکيت" به سود زحمتکشان نه مطرح مي شود و به طريق اولي حل نشده باقي مي ماند. به سخني ديگر، شرايط عيني منافع طبقاتي کارگر از مد نظر دور مي ماند.

بر اين پايه است که بايد مبارزه عليه فاز نوليبرال استثمار شيوه ي توليد سرمايه دارانه را با مبارزه عليه کليت نظام استثمارگر پيوند زد. پيوندي که در مصوبات ششمين کنگره ي حزب توده ايران تثبيت شده است. امري که از جمله بايستي با طرح "اقتصاد سياسي" مرحله ملي- دموکراتيک انقلاب، به عنوان جاگزین تاريخي براي کليت نظام سرمايه داري و شکل مالکيت آن مطرح شده و در باره ي آن روشنگري به عمل آيد.

مبارزه عليه جنگ طلبي امپرياليسم و ابزار تجاوزگرانه آن، سازمان "ناتو"، بدون مبارزه عليه نظام سرمايه داري حاکم بر جهان به نتيجه مطلوب دست نمي يابد. از

این رو مبارزه برای صلح جهانی و در منطقه، مبارزه ای علیه نظام سرمایه داری بوده و با هدف گذار از آن انجام شود.

می دانیم که در مرحله ملی- دموکراتیک انقلاب که مرحله ای خاص و مستقل را در فرازمندی جامعه تشکیل می دهد، مالکیت سرمایه دارانه از بین نمی رود. به سخنی دیگر، در مرحله رشد ملی- دموکراتیک جامعه ما با اشکال متفاوت "مالکیت" روبرو هستیم. اما دورنمای گذار از مالکیت خصوصی بر ابزار بزرگ تولید اجتماعی و به ویژه بخش عمومی- دموکراتیک تولید نیازهای اولیه و پایه توده ها، پا می گیرد. پا گرفتن و پا قرص کردن بخش عمومی- دموکراتیک تولید اجتماعی در این دوران، مضمون عینی منافع طبقاتی طبقه کارگر را در این دوران تشکیل می دهد.

بر پایه این تحلیل مارکسیستی- توده ای است که در گفتگوهای صمیمانه با رفیق عزیز محسن نیز بر اهمیت طرح مساله ی اصلی در نبرد روزانه طبقه کارگر، یعنی مساله "مالکیت"، اشاره شد. طرح زمینه عینی- اصلی مبارزه ی طبقاتی پس از انتخاب روحانی، پرتوان ترین اهرم است «جهت یک نفس تازه کردن در مبارزه ی نفس گیر» حاکم بر ایران خفقان زده! زیرا، همان طور که اشاره شد، ریشه در منافع عینی طبقاتی طبقه کارگر داراست!

۱- نگاه شود به مقاله دیالکتیک عین و ذهن یا "پدیدار شناسی" ایده آلیستی و حاکمیت طبقه کارگر یک امکان تحقق پذیر است - شماره ۹۶/۱۷ و ۱۰، اردیبهشت ۹۶.